

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آیشیتایمز / دیوید گولدمن
برگردان آز: موسی خلیلی
۰۲ اپریل ۲۰۲۱

سیاست جدید جمهوری خلق چین در خاورمیانه



نفوذ امریکا در بسیاری از مهم ترین نقاط ستراتیژیک اورآسیا دچار شکنندگی شده است و جمهوری خلق چین در موقعیتی قرار دارد که می تواند در این مناطق به امریکا ضربه وارد کند، این پاسخی انتقام جویانه از جمهوری خلق چین است، امریکا در این مناطق تلاش گسترده ای برای ایجاد یک جبهه ضد چینی انجام داده است. لحن مذاکره جمهوری خلق چین با امریکا در برابر تهدید های این کشور در هفته های گذشته به شدت تغییر کرده است، و به نظر می آید که تغییر لحن چین پیش درآمد تغییر سیاست این کشور از مدارا به درگیر شدن با امریکا است. رسانه های دولتی ایران گزارش دادند که روز شنبه (۲۸ مارچ) چین و ایران به طور رسمی توافق نامه ای راجع به یک همکاری جامع ستراتیژیک امضاء کردند ، «که هدف آن تقویت روابط اقتصادی ، سیاسی و تجاری بین دو طرف برای ۲۵ سال آینده است.»

سعید خطیب زاده سخنگوی وزارت امور خارجه در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: «این سند می تواند روابط دوجانبه را به یک سطح ستراتیژیک جدید برساند.» وی گفت که این توافق نامه که از سال ۲۰۱۶ در دست تهیه است و در حالی وارد مرحله اجرائی می شود که هر دو طرف با تحریم های ایالات متحده روبه رو هستند ، هدف از این توافق نامه ایجاد روابط دوستانه، گسترش روابط بخش خصوصی از طریق اجرای سیاست جاده ابریشم می باشد.

هنگامی که توافق پیشنهادی برای اولین بار در اگست سال ۲۰۲۰ به بحث و مذاکره گذاشته شد ، نوشتیم: «چشم انداز توافق با ایران حرکتی در صفحه بازی جهانی است در پاسخ به تلاش های امریکا که هدفش شکست دادن چین به عنوان یک ابرقدرت فناوری است.»

مדתهاست که حرف و حدیث هایی در مورد وزن و اهمیت سرمایه گذاری چین در ایران شایع شده است و احتمالاً تصادفی نیست که یک هفته پس از اجلاس وزیران امریکا و چین در آنکوريج ، وانگ یی وزیر امور خارجه چین برای امضای این توافقنامه وارد تهران شد.

چین با این حرکت به وضوح به دولت بایدن علائمی را ارسال کرده است که برنامه های امریکا برای احیای توافق هسته ای ایران و همچنین توانائی واشنگتن برای اعمال فشار اقتصادی بر ایران ، بدون چین ممکن نیست. همانطور که من در تاریخ ۴ فبروری نوشتیم، تحلیلگران چینی جلسه ۱۳ جنوری بین وزیران خارجه پاکستان و ترکیه را به عنوان آغاز همکاری منطقه ای تحسین کردند و افزودند «ایران چاره ای جز یافتن راهی برای پیوستن به اردوگاه ترکیه ای-پاکستانی ندارد».

در اظهارنظرهای عمومی ، تحلیل گران نظامی چین یک همکاری ترکی - ایرانی - پاکستانی تحت تأثیر و با مشاورت چین را پیش بینی کرده اند، که این همکاری منطقه ای جمعیتی حدود ۳۰۰ میلیون نفر را در بر می گیرد و مشمول اکثریت نیروی کار ماهر فنی در جهان اسلام می شود.

یک هدف دیگر مهم چین از ایجاد چنین پیمان منطقه ای ممانعت از ایجاد همکاری «کواد» یا چهارجانبه امریکا، استرالیا، جاپان و هندوستان است که برای مهار فعالیت های جمهوری خلق چین اختراع شده است. اگر آنگونه که ستراتیژیست های چینی پیش بینی می کنند ، ایران به سمت اتحاد ترکیه و پاکستان پیش رود ، هند منزوی خواهد شد. هند سعی کرده است روابط خود را با ایران شیعه بهبود بخشد تا بتواند پاکستان همسایه سنی مذهب خود را که دارای روابط خصمانه ای با هند است، مهار کند.

براساس گزارش های خبری ، چین واردات نفت از ایران را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. چینی ها با خرید نفت ایرانی آن را به عنوان محموله های سوختی مالیزیائی و یا زیر پرچم دیگر کشورها وارد کرده و به این ترتیب تحریم های امریکا را دور می زنند. این درحالی است که سال گذشته واردات نفت رسمی چین از ایران تقریباً به صفر رسیده بود، به نظر می رسد چین از چند ماه پیش به این سو تصمیم گرفت که روابط خود با ایران را تحکیم بخشد. در این میان ترکیه با هر چه ضعیف تر شدن ارزش ارز داخلی اش و کمبود ارز خارجی در خزانه، وابستگی بیشتری به جمهوری خلق چین پیدا کرده است.

رجب طیب اردوخان رئیس جمهور نامعقول و غیر قابل پیش بینی این کشور در اوایل ماه جاری رئیس بانک مرکزی ترکیه را برکنار کرد و در نتیجه لیر ترکیه حدود ۱۰ درصد از ارزش خود را از دست داد.

در تاریخ ۲۶ مارچ ، سرویس های اطلاعاتی گزارش دادند که کنسرسیومی از بانک های چینی آماده است ۲.۳ میلیارد دلار به ترکیه برای پیشبرد پروژه متوقف شده ساخت پل و گرفتن عوارض در استانبول وام دهد. این پروژه بزرگترین همکاری فعالیت اقتصادی ترکیه و چین در زمینه اقتصادی است.

موافقت چین با تزریق کمک اقتصادی به ترکیه در یک زمان بسیار حساس در روابط امریکا و ترکیه اتفاق می افتد. امریکا با مشاهده آمادگی چین برای کمک مالی به ترکیه تصمیم گرفت که مذاکرات صلح خود با طالبان افغانستان از دوحه پایتخت قطر به انقره منتقل کند به این امید که کشورهای اسلامی و رژیم های اسلامگرا به جای چین به ترکیه کمک مالی کنند تا ترکیه به چین نزدیکتر نشود..

دولت بایدن تحت فشار است که نیروهای امریکائی را از افغانستان بیرون بکشد. دولت ترمپ در توافق با طالبان قول عقب نشینی کامل تا ماه مه را داده بود.

اشپیگل ، بزرگترین نشریه خبری آلمان ، در اینبار گزارش می دهد دولتمداران برلین ، که دومین گروه بزرگ نیروهای نظامی ناتو را در افغانستان تشکیل می دهند ، از این اقدام امریکا برای انتقال مذاکرات از قطر به ترکیه عصبانی هستند ، چراکه با مقامات آلمانی در مورد این نقل مکان مذاکرات از سوی امریکا هیچ مشورتی صورت نگرفت و آنها از این موضوع از طریق رسانه ها مطلع شده اند.

گویا برای آن که اوضاع از این هم بدتر شود، همانطور که «امبرین زمان» در المانیتر گزارش داد، اولین ملاقات تونی بلینکن وزیر امور خارجه ایالات متحده با همتای ترکی خود «مولویت چاوش اوغلو» در ۲۴ مارچ هم بسیار بد پیش رفته است و هیچ نتیجه برای طرفین به جز بدتر شدن روابط فی مابین نداشته است.

ظاهراً برای وارد آوردن فشار بر واشنگتن، ترکیه اکنون مصمم است زمان دیدار دولت افغانستان و طالبان را از اپریل به ماه مه موکول کند.

ترکیه درخواست های زیادی از واشنگتن دارد از جمله آنها موافقت امریکا با خرید دستگاه دفاع هوایی روسی اس ۴۰۰ می باشد دیگر آن که مشکل حل نشده پیگرد قانونی هالبانک ترکیه به اتهام نقض تحریم های ایران نیز به نفع ترکیه بایگانی شود.

در تحولی دیگر ، چین برای وارد شدن به مشکلات خاورمیانه به عنوان میانجی، کنفرانسی را در بیجینگ با حضور نمایندگان اسرائیل و فلسطین پیشنهاد داده است. بیجینگ در گذشته معمولاً در مورد این مسأله خاص نقش فعالی برای خود در نظر نمی گرفت، پیشنهاد برگزاری چنین جلسه ای نشان از فعال شدن جمهوری خلق چین در منطقه دارد آنها با وظیفه میانجی و آشتی دهنده، این حرکت نشانه ای از اعتماد به نفس بالای جمهوری خلق چین می باشد که خلاف امریکا دارای روابط خوبی با تمامی طرف های درگیر در مسأله است و مورد احترام آنها نیز قرار دارد.

با توجه به سیاست های درهم و باهم و بی پایه و اساس دولت بایدن در خاورمیانه این نقش جدید چین می تواند آسیب بیشتری به سیاست سلطه جویانه امریکا وارد سازد.

برای روشن تر شدن بی اساس و پایه بودن سیاست های امریکا مثالی بزنیم، اولین نزاع دولت جدید امریکا با هند با تهدید به تحریم بر سر خرید سیستم دفاع هوایی روسی توسط هند که از قبل برنامه ریزی شده بود آغاز شد. وزیر دفاع جدید امریکا «لوئید آستین» با روشی بلد مآبانه در دیدار با مقامات هندی آنها را تهدید به تحریم کرد. همان فردی که بایدن نامش را فراموش کرده بود! فراموش نشود هند قرار است نقش متحد امریکا علیه چین را در منطقه ایفاء کند!

در همین حال ، بایدن در مصاحبه ای از ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه به عنوان «قاتلی بی روح» نام می برد، وقیحانه ترین توهینی که پس از دوران جنگ جهانی تاکنون توسط یک رئیس دولت به یک رئیس دولت دیگر مطرح شده است.

چین و روسیه سیاست های خود را در قبال ایالات متحده هماهنگ می کنند.

وزیر امور خارجه چین وانگ در مذاکرات داغ آنکور ریج هم تایان امریکائی خود را سرزنش کرد ، که آنچه را چین از نظم نوین جهانی ادعائی امریکا تجربه کرده است فقط شامل توجیهی است برای استفاده از زور توسط این کشور برای رسیدن به اهدافش.

در این مذاکرات وزیر امور خارجه جمهوری خلق چین خطاب به هیأت امریکائی گفت:

«ما اعتقادی به، به کار بردن بی دلیل زور نداریم، ما مخالف جنگ افروزی و حمله به کشورهای دیگریم ما هرگز رژیم های دیگر کشورها را سرنگون نمی‌کنیم ، یا مردم کشورهای دیگر را قتل عام نمی‌کنیم ، زیرا همه این سیاست‌ها فقط باعث ایجاد آشفتگی و بی ثباتی بیشتر در جهان می‌شود. و این سلطه‌گری ها آخرش هم هیچ سودی برای ایالات متحده نخواهد داشت .»

چین ثابت کرد لازم باشد می‌تواند با لحن دیگری هم با امریکا حرف بزند.